

دو فصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی، سال هفتم و هشتم،  
شماره‌های سیزدهم و چهاردهم (نیمسال دوم ۹۴ و نیمسال اول ۹۵)

## هم‌رایی معرفت عقلانی و وحیانی در تبیین رابطه معنا و سبک زندگی

محمد علی اخگر\*

### چکیده

مقاله‌ی حاضر با استفاده از آموزه‌های عقلانی و وحیانی در حیطه‌ی معنای زندگی و سبک زندگی به بررسی رابطه‌ی این دو مسأله‌ی اساسی پرداخته و با نشان دادن همراهی و هم‌رایی عقل و وحی، به اثبات ارتباط مستحکم بین معنا و سبک زندگی می‌پردازد. کیفیت این ارتباط از دیدگاه این دو منبع مهم معرفتی به گونه‌ای است که سبک زندگی افراد ریشه در معنای زندگی آن‌ها داشته و در حقیقت حاکی از آن است. این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است با پرسشگری در خصوص رابطه‌ی معنا و سبک زندگی از دیدگاه این دو منبع، منجر به کشف این یافته‌ی بنیادین و ضروری می‌گردد که هر دو منبع معرفت نقطه‌ی آغاز محقق کردن هر نوع سبک زندگی از جمله سبک زندگی اسلامی را محقق کردن معنای زندگی متناسب با آن می‌دانند.

واژه‌های کلیدی: معنای زندگی، سبک زندگی، معرفت عقلانی، معرفت وحیانی، قرآن

## مقدمه

تحقق سبک زندگی اسلامی یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. این امر خود مستلزم توجه جدی اندیشمندان مسلمان به موضوع سبک زندگی و راههای وقوع آن در فرد و اجتماع است. یکی از مسائل مهم برای رسیدن به این امر توجه به مبانی و بنیادهای سبک زندگی اسلامی است زیرا سبک زندگی اسلامی فقط با تحقق این مبانی واقع شده و دوام پیدا خواهد کرد. با لحاظ این نکته و با توجه به ضرورت فهم و تحلیل این مبانی، مقاله‌ی حاضر به واکاوی رابطه‌ی معنای زندگی با سبک زندگی با بهره‌گیری از دو منبع مهم معرفت یعنی معرفت عقلانی و معرفت وحیانی پرداخته و هم‌رأیی و هم‌داستانی آنها را در تبیین چگونگی این ارتباط نشان می‌دهد. پرسش اصلی این تحقیق در اینجا این است که رابطه‌ی معنای زندگی و سبک زندگی از دیدگاه معرفت عقلانی و معرفت وحیانی چیست و این دو منبع در تبیین این رابطه چه نسبتی با هم دارند؟

در پاسخ به این سوال مقاله‌ی حاضر با بررسی رابطه‌ی دو مسأله‌ی مهم معنای زندگی و سبک زندگی از دیدگاه عقل و معرفت بشری و از دیدگاه وحی و معرفت ربوبی و نشان دادن هم‌سویی و هم‌رأیی آنها در تبیین این رابطه اثبات می‌کند که سبک زندگی افراد ریشه در معنای زندگی آنها داشته و به همین جهت وقوع هر نوع سبک زندگی از جمله سبک زندگی اسلامی نیازمند شکل‌گیری معنای زندگی متناسب به عنوان پایه و بنیاد آن است.

برای دستیابی به پاسخ با توجه به پیچیدگی دو مسأله‌ی معنا و سبک زندگی در بخش اول و دوم به تبیین این دو مسأله پرداخته شده و تلاش شده است با توصیف و

تحلیل آن‌ها ابهام و پیچیدگی این دو مسأله به وضوح و روشنی بدل گردد. لازم به ذکر است که هر چند معنای زندگی و سبک زندگی اموری جدانشدنی از حیات بشر بوده و همواره انسان دارای پاسخ معین به این دو مسأله‌ی مهم است اما بحث مستقل از آن‌ها و تحلیل خود مسأله و پرسش همچون بسیاری از مسائل دیگر امری مربوط به دوره‌ی معاصر و علوم جدید برخواسته از عقلانیت بشر است و به همین جهت در توصیف و تحلیل مفهومی این دو مسأله از یافته‌های این علوم بهره گرفته شده است.

در بخش سوم رابطه‌ی معنای زندگی و سبک زندگی از دیدگاه عقل و معرفت بشری و در بخش چهارم این رابطه از دیدگاه وحی و معرفت الهی مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت با نشان دادن هم‌رایی عقل و وحی در این موضوع ارتباط مستحکم معنای زندگی و سبک زندگی و ابتدای سبک زندگی بر معنای زندگی اثبات می‌گردد.

روش تحقیق این مقاله توصیفی و تحلیلی بوده و یافته‌های آن مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. در زمینه‌ی پیشینه‌ی موضوع نیز حقیقت این است که تحقیقی که به صورت یک مسأله‌ی مستقل همراهی و هم‌رایی معرفت عقلانی و وحیانی در بحث از رابطه‌ی معنای زندگی و سبک زندگی را مورد بحث قرار دهد وجود ندارد اما همچنان که در متن مقاله آمده است در میان آثار محققان و در زیرمجموعه‌ی سایر مباحث پیرامون معنا و به ویژه سبک زندگی عباراتی برای بیان پیوستگی این دو مسأله از منظر معرفت عقلانی و وحیانی وجود دارد. برخی از پژوهش‌ها نیز به صورت غیرمستقیم و از طریق مفاهیم نزدیک به معنا و سبک زندگی از قبیل رابطه‌ی معنای زندگی و خلاقیت که یکی از عناصر اصلی سبک زندگی است یا بحث از حیات طیبه و طرح معنای زندگی دینی به عنوان اساس حیات طیبه به عنوان سبک زندگی مطلوب اسلامی به ارتباط این دو مسأله اشاره کرده‌اند (مهدوی آزاد بنی، ۱۳۸۶ و رجب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱).

## ۱. معنای «معنای زندگی» و تحلیل آن

معنای زندگی امری است که هر انسانی در طول حیات خود با آن مواجه بوده و ناگزیر از پاسخ‌گویی به آن است. در این میان هر چند «سوال از فلسفه و هدف حیات از نظر تاریخی مساوی با تاریخ هشیاری آدمیان می‌باشد» (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۰-۱۱) اما بحران معنا در زندگی معاصر بشر موجب اهمیت روزافزون این مسأله شده و آن را به عنوان یکی از مسائل عمده‌ی مورد بحث بشر قرار داده است. این امر سبب شده است که اندیشمندان علوم گوناگون از قبیل فلسفه‌ی دین، فلسفه‌ی اخلاق، روانشناسی و... به بحث از این موضوع علاقه نشان داده (ملکیان، ۱۳۸۰: ۱۵) و تأثیر این موضوع در عرصه‌های مختلف زندگی بشر و به ویژه در قلمرو علوم انسانی شگرف باشد. با این حال علی‌رغم فراگیری موضوع و مواجهه‌ی هر انسان با این موضوع در طول حیات خود، مسأله‌ی معنای زندگی در هنگام بحث، بررسی و تدقیق دچار ابهام بوده (متز، ۱۳۸۲: ۲۶۷) و موضوع از وضوح کافی برخوردار نیست (Routledge, 1998: v5/630). نتیجه‌ی چنین وضعیتی این است که سه نظر عمده در باب معنای «معنای زندگی» وجود داشته باشد:

$$\left. \begin{array}{l} \text{معنای زندگی} = \text{هدف زندگی (۱)} \\ \text{معنای زندگی} = \text{ارزش زندگی (۲)} \\ \text{معنای زندگی} = \text{فایده زندگی (۳)} \end{array} \right\} \text{معنای «معنای زندگی»}$$

در میان این سه دیدگاه، دیدگاه اول از استحکام، اعتبار و فراگیری بیشتری برخوردار است زیرا ارزش و فایده یک امر صرفاً در پرتو هدف آن معنا پیدا کرده و هر گونه تبیین ارزشمندی و فایده‌مندی در بازگشت به بحث هدف معنادار است. با پذیرش این دیدگاه مقصود از معنای زندگی هدف زندگی است. حال با توجه به این که هدفمندی تنها در

مجموعه‌ی افعال اختیاری انسان معنادار است لذا معنای زندگی را می‌توان هدف و غایت مجموعه‌ی افعال اختیاری انسان و حیطه‌ی اختیاری زندگی او محسوب کرد.

هدف و غایت مجموعه‌ی افعال ارادی انسان را به دو نوع متمایز می‌توان تقسیم کرد: ۱- هدف نهایی (هدف اعلاء) ۲- اهداف میانی و واسطه‌ای (هدف‌های تکاملی نسبی). هدف نهایی آخرین هدف انسان در زندگی و آخرین چیزی است که انسان می‌خواهد به آن دست یابد. اهداف میانی واسطه‌ی رسیدن به هدف نهایی و ابزار و وسیله‌ی حصول آن هستند (جعفری، ۱۳۶۱: ج ۱۰/۲۹۳). برای تحقق زندگی معنادار وقوع هر دو نوع هدف و ارتباط پویا و صحیح آن‌ها ضروری است. توضیح مطلب از این قرار است که کلیه‌ی اعمال و افعال اختیاری انسان دارای هدف معین و مشخص هستند هدفی که توجیه‌گر آن فعل اختیاری و معنابخش آن است. آن هدف نیز خودموجه نبوده و برای توجیه خود نیازمند هدف بالاتر است و این فرآیند به همین ترتیب ادامه می‌یابد. نتیجه‌ی چنین تحلیلی این است که زندگی معنادار به معنای زندگی موجه است زندگی که در آن هر امری به هدفی بالاتر از خود ارجاع پیدا کرده و به واسطه‌ی آن موجه می‌گردد. البته سلسله‌ی تمام این توجیها در قالب نوعی هرم و نظام معناداری بالاخره به هدفی نهایی ختم شده که «خود موجه» است و توجیه تمام مجموعه قائم به آن است. برخورداری از چنین نظامی از اهداف به هم پیوسته به معنای بهره‌مندی از زندگی معنادار است. (۴)

## ۲. بیان سبک زندگی

### ۲-۱- ظهور مفهوم سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی (۵) مفهومی کاملاً جدید با عمری در حدود یک قرن است که به ویژه در دهه‌های اخیر به نحو فزاینده‌ای در کانون توجه و بحث محققان علوم

عقل و دین، سال هفتم و هشتم، شماره‌های سیزدهم و چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ و بهار و تابستان ۱۳۹۵ ►

گوناگون قرار گرفته است. البته علی‌رغم دیدگاه برخی از محققان که ظهور مفهوم سبک زندگی را مربوط به دنیای مدرن و ناشی از مؤلفه‌ها و تحولات مرتبط با آن دانسته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰) با این حال نبود بحث مستقل از این مفهوم به معنای نبود چنین مفهومی در گذشته و وجود مصادیق قابل بررسی برای آن نیست. به طور نمونه مفهوم سیره‌ی پیامبر اسلام و ائمه‌ی دوازده‌گانه‌ی شیعه بدون شک مفهومی نزدیک و قابل انطباق با مفهوم سبک زندگی است. (۶)

سبک زندگی امروزه در علوم و زمینه‌های گوناگون حجم وسیعی از مطالعات و فعالیت‌ها را به خود اختصاص داده است. در حیطه‌ی روانشناسی از آدلر که او را آغازکننده‌ی بحث سبک زندگی در دوره‌ی معاصر می‌داند تا به امروز بحث از سبک زندگی به عنوان یکی از حیطه‌های مهم تحقیق وجود داشته است (Rule and Bishop, 4: 2006). در قلمرو علوم سلامت کتاب‌های متعددی در جهت تبیین سبک زندگی تأمین کننده‌ی سلامت جسمی تهیه شده است (Thew and Mckenna, 2008: xiii). رسانه‌های متعددی نیز به ترویج سبک‌های زندگی معین اختصاص یافته‌اند به ویژه از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد که به تعبیر برخی محققان ما با انفجار رسانه‌های سبک زندگی روبرو هستیم (Bell and Hollows, 2006: 1). اما آنچه بدون شک مهم‌ترین قلمرو بحث از سبک زندگی است جامعه‌شناسی است. در حقیقت عقلانیت بشر در بحث از سبک زندگی بیش از هر قلمرو دیگر در جامعه‌شناسی خود را نشان داده و این جامعه‌شناسان بوده‌اند که به طور وسیع به بررسی، توصیف، تحلیل و نظریه‌پردازی عقلی در باب این مفهوم اقدام کرده‌اند. البته مفهوم سبک زندگی در جامعه‌شناسی با بسیاری از مفاهیم اصلی آن به ویژه مفاهیم هویت، مصرف و به طور خاص مصرف تظاهری و... پیوند خورده و این امر سبب گردیده است که فهم مفهوم سبک زندگی در جامعه‌شناسی در گرو بررسی این مفاهیم باشد (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶ و ولبن، ۱۳۸۳: ۱۰۹-۱۳۵).

## ۲-۲. تحلیل و توصیف مفهوم سبک زندگی

توصیف‌ها و تبیین‌های عقلانی گوناگونی از سبک زندگی در علوم گوناگون و به ویژه در جامعه‌شناسی صورت گرفته و البته این تبیین‌ها همچنان که در بخش قبل دیده شد متأثر از مجموعه مباحث و مفاهیمی است که فضاها را برای بحث از سبک زندگی شکل می‌دهند. با بررسی و تحلیل این توصیف‌ها عناصر اساسی زیر در تعاریف مهم سبک زندگی قابل تشخیص است:

۱ - اعمال و رفتار روزمره انسان: بسیاری از تعاریف سبک زندگی حداقل بخش بسیار مهم سبک زندگی را همین اعمال و رفتار روزمره از قبیل نوع غذای مصرفی، شیوه‌ی غذا خوردن مردم، پوشش و نحوه‌ی آن، اوقات فراغت، فعالیت‌های ورزشی و... می‌دانند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۵۹-۲۹۰ و رضوی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

۲ - اختیار، گزینش و انتخاب: سبک‌پذیری زندگی انسان صرفاً از آن رو ممکن گردیده است که زندگی او بر اساس انتخاب، گزینش و تصمیم‌گیری‌اش به عنوان پذیرش یک شیوه‌ی متمایز زندگی رخ می‌دهد. بدین جهت اختیار، اراده و گزینش‌گری انسان در اعمال خود مبنای بسیار مهم سبک زندگی است. این امری است که در بسیاری از تعاریف سبک زندگی لحاظ شده است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰ و گینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

۳ - الگومندی به صورت یک مجموعه‌ی منظم: سبک زندگی همچنانکه در بسیاری از تعاریف سبک زندگی مورد اشاره قرار گرفته است مجموعه‌ی منظم و واحد از اعمال و رفتار انسانی است که خود را در یک الگوی همگرا و دارای ساختار واحد و بنیادین آشکار می‌سازد (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۷۸).

۴ - نوع و شیوه‌ی زیستن آدمی: با اتکا بر سه ویژگی گفته شده روشن می‌گردد که

این مجموعه‌ی منظم دارای الگوی مشخص، نوع و شیوه‌ی زیستن انسان را مشخص ساخته و بدین ترتیب سبک زندگی فرد را متولد می‌سازد: «سبک زندگی عبارت است از هر شیوه‌ی متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن» (سوبل، ۱۹۸۱، به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸). همین ویژگی باعث شده است بسیاری از محققان مسلمان سبک زندگی را به همان معنای سیره یعنی نوع و روش رفتار به کار برند: «در اصطلاحات اسلامی نزدیک‌ترین واژه‌ای که این مفهوم [سبک زندگی] را به خوبی بیان می‌کند واژه سیره است» (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۱۸). این امر به گونه‌ای است که در بحث از سبک زندگی الگوهای دینی ترادف بین سبک زندگی معصومین و سیره‌ی آن‌ها کاملاً رایج است (جباری، ۱۳۹۲: ۲۲).

۵ - بیان هویت و درون انسان: سبک زندگی مفهومی است که اعمال و افعال اختیاری و روزمره انسان را به هویت و درون او پیوند زده و آشکارکننده‌ی آن است. به تعبیر آنتونی گیدنز جامعه‌شناس سرشناس انگلیسی انتخاب‌های ما در قلمرو سبک زندگی تصمیم‌گیری‌هایی هستند که ما نه فقط درباره‌ی چگونه عمل کردن بلکه درباره‌ی چگونه بودن خویش به اجرا می‌گذاریم امری که ما را از دیگر افراد و گروه‌های اجتماعی جدا کرده، روایت معینی را از ما به تصویر کشیده و هویت ما را آشکار می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

۶ - متمایزکننده‌ی شخص از سایر افراد و گروه‌های اجتماعی: تفاوت در سبک زندگی باعث تمایز شخص از سایر اشخاص شده و سبب تعلق او به گروه و طبقه‌ی اجتماعی معینی می‌شود طبقه‌ای که با سایر طبقات و گروه‌های اجتماعی متمایز است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸).

در مجموع با بحث از عناصر اصلی موجود در تعاریف و توصیف‌های موجود از سبک زندگی، این مفهوم را می‌توان اینچنین تعریف نمود: «سبک زندگی عبارت است



از نوع و شیوه‌ی زیستن آدمی که از مجموعه‌ی اعمال و رفتار اختیاری او قابل انتزاع بوده و روایتگر هویت شخص و موجب امتیاز فرد از سایر افراد و گروه‌های اجتماعی می‌گردد». این تبیین عقلانی از یک سو منحصر به زمینه‌ی خاصی در بحث سبک زندگی نبوده و تا حد زیادی جامع بین قلمروهای گوناگونی است که از سبک زندگی سخن می‌گویند و از سوی دیگر رابطه‌ی مفهوم سبک زندگی با مفاهیم بنیادین دخیل در آن از جمله اعمال و رفتار، اختیار و اراده و هویت را معین می‌سازد.

### ۳. بررسی رابطه‌ی معنای زندگی و سبک زندگی از دیدگاه معرفت عقلانی

در بخش‌های قبل معنای زندگی و سبک زندگی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. تحلیل عقلی صورت گرفته خود به خوبی بیانگر این نکته است که رابطه‌ی عمیقی بین معنا و سبک زندگی وجود داشته و سبک زندگی افراد مبتنی بر معنای زندگی آن‌ها ساخته و پرداخته می‌شود. توضیح مطلب چنین است. همچنان که دیدیم تحقق زندگی معنادار در گرو وقوع هرم و نظام معناداری است نظامی که در بالاترین لایه مشتمل بر هدف نهایی بوده و این هدف با گذر از اهداف میانی و واسطه‌ای به صورت افعال و اعمال اختیاری در خارج تحقق می‌یابد. در حقیقت هم اهداف میانی و هم اعمال و رفتار اختیاری در توجیه معناشناختی خود قائم به هدف نهایی بوده و بدون آن توجیه و استحکامی ندارند.

معنای چنین تحلیلی این است که سبک زندگی افراد ریشه در معنای زندگی آن‌ها داشته و با گذر از آن به دست می‌آید. در واقع سبک زندگی که مطابق تعریف گزیده شده شیوه‌ی زندگی انتزاع شده از افعال اختیاری است به طور کامل در گرو هدفی است که انسان در زندگی بر می‌گزیند چه این که این هدف نهایی است که توجیه‌گر افعال و کردار ما بوده و به آن وحدت و هویت می‌بخشد. بسیاری از محققان بحث‌کننده

از معنا و سبک زندگی به این حقیقت مستقیم یا غیر مستقیم اشاره داشته و آن را تایید کرده‌اند.

آلفرد آدلر که هم در باب معنا و هم در باب سبک زندگی بحث می‌کند به وضوح به رابطه‌ی محکم این دو امر اشاره می‌کند. تعریف آدلر از سبک زندگی تا حد زیادی مبتنی بر نقشه‌ی ذهنی خاص فرد است. از دیدگاه او سبک زندگی به عنوان نمونه‌ای از عقاید و اهدافی ملاحظه شده است که شخص آن را برای اندازه‌گیری ارزش خود و تعامل با دیگران به کار می‌برد (Rule and Bishop, 2006: 5). این رویکرد نشان‌دهنده‌ی ابتدای سبک زندگی بر نقشه‌ی ذهنی، اهداف و نظام معناداری فرد از دیدگاه آدلر است. گینز و ریمر از محققان پست مدرنیته و همچنین آنتونی گیدنز نیز با اشاره به وجود عنصر اساسی انتخاب و گزینش‌گری در بحث سبک زندگی و به واسطه‌ی آن و بحث روایتگری هویت به پیوست سبک زندگی و معنای زندگی به طور ضمنی اشاره می‌کنند (گینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۰۸ و گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

نظریه پرداز برجسته سبک زندگی بوردیو نیز چنین رویکردی را دنبال می‌کند. یکی از مفاهیم بنیادین اندیشه‌ی بوردیو ساختمان ذهنی است که به معنای ساختارهای ذهنی یا شناختی و نظام تمایلات ساختار گرفته و ساختاردهنده‌ای است که انسان‌ها از طریق آن‌ها با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند. ساختمان ذهنی در حقیقت طرح‌های ملکه‌ی ذهنی هستند که انسان‌ها با آن‌ها جهان اجتماعی‌شان را ادراک، فهم، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند. در حقیقت از دیدگاه بوردیو انسان‌ها منطقی برای عمل کردن دارند و اعمال و رفتار خود را بر اساس این منطق، ساختمان ذهنی و طرح‌های ملکه‌ی ذهن انجام می‌دهند (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۱-۷۲۳). دیدگاه او در باب ساختمان ذهنی وقتی متوجه بحث سبک زندگی از دیدگاه او باشیم می‌تواند مؤید این مطلب باشد که او سبک زندگی را که مبتنی بر اعمال و افراد شخص است را بر اساس ساختمان ذهنی که

نوعی منطق عملکرد و مفهومی نزدیک به مفهوم هرم معناست توضیح می‌دهد. محققان مسلمان نیز چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم پیوست بین معنا و سبک زندگی را مورد توجه قرار داده‌اند. در سنت فلسفه‌ی اسلامی و به ویژه در فلسفه‌ی صدرایی شاید بارزترین جایگاهی که در آن به ارتباط معنای زندگی و هدف زندگی اشاره شده است بحث مراتب استکمالی نفس و حرکت ذاتی و ارادی آن است. مطابق دیدگاه ملاصدرا علاوه بر حرکت ذاتی، جبلی و غیر ارادی انسان به سوی کمال و مبدا اعلی، انسان از انتهای مرتبه‌ی حیوانی دارای اختیار و حرکت ارادی می‌گردد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۵۵) و از آنجا که بهره‌مندی از اختیار و اراده مبنا و جزء اساسی معنا و سبک زندگی است لذا از این مرحله معناداری زندگی و سبک‌مندی زندگی معنا یافته و انسان گزینش‌گر می‌تواند معانی و سبک‌های زندگی متفاوتی را انتخاب کند. در اینجا هر سبکی از زندگی کاملاً در گرو هدف و معنای آن زندگی بوده و اساساً جدای از آن مطرح نمی‌باشد. چنانچه انسان سعادت‌مند در دیدگاه ملاصدرا شخصی است که در سلوک ارادی خود قرب به خداوند و عروج در مراتب استکمالی هستی را به عنوان هدف و معنای زندگی انتخاب کرده و گزینش این هدف تکمیل دو قوه‌ی نظری و عملی و ظهور ادراکات حق و اعمال خیر و بر مبنای عدالت را برای او رقم خواهد زد. این به معنای سبک زندگی و حیاتی برتر از حیات حیوانی وابسته به ماده است حیاتی که مصداق حیات واقعی بوده و سعادت حقیقی انسان حاصل از آن است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۴۶ و ۳۴۵ و ۳۷۳).

علامه جعفری که از برجسته‌ترین متفکران مسلمان حوزه‌ی معنا و هدف زندگی در دوره‌ی معاصر است به روشنی به ارتباط و پیوست مستحکم معنای زندگی و سبک زندگی اشاره می‌کند. اصطلاحات حیات معقول، حیات واقعی و زندگی ایده‌آل که تعبیر بسیار پر کاربردی در آثار علامه جعفری هستند را به درستی می‌توان معادل

سبک زندگی مطلوب اسلامی از دیدگاه علامه جعفری دانست. علامه جعفری آشکارا اساسی‌ترین مختص این نوع زندگی و مبنای بنیادین آن را توجه به هدف اعلی و والای زندگی می‌داند: «به همین جهت است که «حیات معقول» توجه به هدف اعلای زندگی را برای همه‌ی انسان‌ها در درجه‌ی اول اهمیت قرار می‌دهد» (جعفری، ۱۳۶۱: ج ۸/۲۴۶). اساساً کتاب مهم ایشان در حوزه‌ی معنا و هدف زندگی یعنی «ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل» واجد این نکته اصلی است که تنها با داشتن ایده‌آل و هدف والای زندگی بهره‌مندی از زندگی ایده‌آل و سبک زندگی مطلوب اسلامی امکان‌پذیر است: «تنها ایده‌آل است که می‌تواند روبروی زندگانی را از جهت نقاط مثبت و منفی هماهنگ کرده، در نتیجه با زیربنای زندگی که همان جریان اصلی زندگی است، مربوط و هماهنگ کند» (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۱۰).

مهدوی کنی از محققان برجسته سبک زندگی در ایران در اثر ارزشمند خود «دین و سبک زندگی» با بهره‌گیری از مباحث بوردیو سلیقه‌ای (۷) بودن سبک زندگی را مورد تأکید قرار داده و آن را نشانه‌ی پذیرش «انتخابی» بودن سبک زندگی می‌گیرد هر چند این که مبنای انتخاب چیست را ضمن توجه به اهمیت بسیار زیاد بحث از آن از حوصله‌ی اثر خود خارج می‌داند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۵). با این حال او در بحث اهمیت مفهوم سبک زندگی به ارتباط آن با لایه‌های عمیق‌تر زندگی که می‌تواند نظام معناداری باشد اشاره می‌کند: «اهمیت مفهوم سبک زندگی در این است که سطحی‌ترین لایه‌های زندگی (از آرایش مو و لباس گرفته تا حالت بیانی و ژست صورت و بدن) را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۸).

همچنانکه ملاحظه شد عقلانیت و معرفت بشری در مقام بحث و تحلیل معنای زندگی و سبک زندگی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به پیوست معنای زندگی و سبک زندگی اشاره داشته و سبک زندگی را مبتنی بر نوعی نظام درونی ارزشها و

اهداف می‌داند. بدین ترتیب رابطه‌ی عمیق معنای زندگی و سبک زندگی و ابتنای سبک زندگی بر معنای زندگی مورد تأیید عقل بشر بوده و توسط آن در علوم مختلف بحث‌کننده از معنا و سبک زندگی بیان شده است.

#### ۴. بررسی رابطه‌ی معنای زندگی و سبک زندگی از دیدگاه معرفت‌و‌حیانی

قرآن کریم در آیات متعدد به ارائه‌ی معنای زندگی اسلامی و هدف مطلوب برای زندگی می‌پردازد. این آیات را با در نظر گرفتن ملاک‌ها و جهات گوناگون می‌توان در تقسیم‌بندی‌های متفاوتی بیان کرد چنانکه برخی از محققان تقسیمی پنج‌تایی برای آیات مرتبط با هدف زندگی ذکر کرده‌اند (جعفری، ۱۳۸۵: ۸۰-۹۴) هر چند از دیدگاه نگارنده در مجموع آیات قرآن در باب معناداری و هدفمندی زندگی را در تقسیمی جامع و کارآمد به سه دسته‌ی کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱ - برخی از آیات صرفاً بیان می‌کنند که زندگی پوچ، عبث و بیهوده نیست و انسان و عالم هستی هدفمند و بنا بر حق آفریده شده‌اند هر چند این آیات به نحو سلبی یا ایجابی به هدف معینی برای زندگی اشاره نمی‌کنند: «و ما آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست را به باطل نیافریدیم» (قرآن، ص: ۲۷)، «و او کسی است که آسمان و زمین را به حق آفرید» (قرآن، الانعام: ۷۳).

۲ - برخی از آیات به نحو سلبی زندگی دارای اهداف غیرمطلوب و بی‌ارزش را بیشتر ذیل عنوان دنیاگرایی و دنیاپرستی نقد کرده و راه را برای بحث ایجابی از اهداف متعالی زندگی باز می‌کنند: «همانا که زندگی دنیا بازیچه و لهُو است» (قرآن، محمد: ۳۶)، «زندگی دنیا چیزی جز متاعی فریبنده نیست» (قرآن، آل عمران: ۱۸۵).

۳ - آیاتی که به نحو ایجابی به بیان زندگی معنادار از دیدگاه قرآن و دین اسلام پرداخته و هدف نهایی این زندگی معنادار که همان لقاء الله است و برخی از اهداف

میانی برای رسیدن به این هدف از قبیل عبادت را بیان می‌کنند: «آیا گمان کرده‌اید که ما شما را عبث آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید» (قرآن، المؤمنون: ۱۱۵)، «و من جن و انس را جز برای عبادت نیافریدم» (قرآن، الذاریات: ۵۶).

با بررسی این آیات در مجموع مشخص می‌گردد که قرآن کریم در گام اول بر معناداری و هدفمندی حیات آدمی تاکید کرده و هر نوع پوچ‌انگاری و بازی‌گونه‌گی آن را به طور جدی رد می‌کند. در گام بعد قرآن اهداف پست و بی‌ارزش مادی را که گروهی از انسان‌ها به عنوان هدف برای زندگی خود انتخاب کرده‌اند ذیل عنوان دنیاپرستی و متاع زندگی دنیوی سلب کرده و با اشاره به لهو، لعب و عبث بودن حیات دارای این گونه اهداف این نوع زندگی را نیز نوعی زندگی پوچ‌گرایانه می‌داند (نصری، ۱۳۸۲: ۲۲۶). در نهایت نیز قرآن کریم یگانه هدف نهایی زندگی را که به زندگی معنا و ارزش می‌دهد را همان قرب به خدا معرفی کرده و برخی از اهداف میانی مهم برای رسیدن به این هدف نهایی از قبیل عبادت، ایمان، عمل صالح و... را بیان می‌کند.

این رویکرد و توجه اساسی قرآن کریم به معناداری زندگی خود منجر به شکل گرفتن سبک زندگی معینی می‌گردد سبک زندگی‌ای که قرآن خود به روشنی به ریشه داشتن آن در معنای زندگی اشاره کرده و پیوست اساسی آن با معنای زندگی ذکر شده در قرآن را بیان می‌کند. به نظر می‌رسد بیان مبتنی بودن سبک زندگی قرآنی بر معنای زندگی قرآنی در دو جایگاه بیش از موارد دیگر به روشنی ذکر شده است:

۱- حیات طیبه: در قرآن کریم پیوست بین معنا و سبک زندگی قرآنی بیش از هر جا در بحث از حیات طیبه خود را آشکار ساخته است. خداوند متعال در آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی نحل می‌فرماید: «هر زن و مردی که کار نیکو انجام دهد و در آن حال مؤمن باشد او را به حیات طیبه زنده گردانیده و پاداشی بهتر از کردارشان به آن‌ها عطا خواهیم کرد». مفسران در توضیح این آیه اختلاف کرده‌اند. برخی از مفسران حیات

طیبه را صرفاً به معنای بهشت و حیات اخروی یا برزخی نیکوکاران گرفته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰ه.ق: ج ۳۶۸/۲ و مغنیه، ۱۴۲۴ه.ق: ج ۵۵۱/۴). در مقابل بسیاری از مفسران حیات طیبه را منحصر به زندگی پس از مرگ ندانسته و حیات مؤمن نیکوکار در این دنیا را مصداق واقعی حیات طیبه دانسته‌اند. علامه طباطبایی در المیزان نظرات مختلف در تفسیر حیات طیبه را ذکر کرده و با روش تفسیر قرآن به قرآن حیات طیبه را حیاتی واقعی و حقیقی می‌داند حیاتی که در همین عالم برای مردم با ایمان و دارای عمل صالح توسط خداوند افزوده شده و تفاوت آن با حیات عمومی مردم اختلاف در مراتب است: «و این حیات جدید و اختصاصی، جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترکند نیست، در عین اینکه غیر آن است با همان است، تنها اختلاف به مراتب است نه با عدد، پس کسی که دارای آن چنان زندگی است دو جور زندگی ندارد، بلکه زندگی قوی‌تر و روشن‌تر و واجد آثار بیشتر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴۹۳/۱۲). بسیاری از مفسران دیگر نیز همین رویکرد را نسبت به حیات طیبه قرآنی دارند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ه.ق: ج ۱۵۴/۳ و حسینی همدانی، ۱۴۰۴ه.ق: ج ۵۳۷/۹ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ه.ق: ج ۳۱۳/۸ و...). پذیرش تفسیر دوم که از استحکام و مقبولیت بیشتری برخوردار است می‌تواند تبیین‌کننده‌ی دیدگاه قرآن کریم نسبت به سبک زندگی مطلوب اسلامی باشد. در واقع «غایت آموزه‌های دینی رهایی از وضع موجود سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به «حیات طیبه» می‌باشد» (رجب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱) حیات طیبه‌ای که بی‌تردید از دیدگاه قرآن همان سبک زندگی مطلوب اسلامی است.

در این میان آنچه بیانگر پیوست جدی معنا و سبک زندگی قرآنی در حیات طیبه است توجه به این حقیقت است که در آیات قبل از طرح حیات طیبه یعنی آیات ۹۵ و ۹۶ سوره‌ی نحل از عهد انسان با خدا سخن گفته و از انسان خواسته است که این عهد

و پیمان با خدا را به بهایی اندک نفروشد زیرا آنچه نزد خداست بهتر از هر چیز دیگر است. آنچه نزد خداست باقی و پایدار است و آنچه نزد ما از زندگی دنیا و دارایی دنیوی است فانی و زودگذر است. این آیات که دقیقاً قبل از طرح حیات طیبه ذکر می‌گردند به روشنی بیانگر دسته‌ی دوم و سوم آیات قرآنی مرتبط با معنای زندگی هستند. یعنی از یک سو اهداف مادی و متاع دنیوی را زودگذر و بی‌ارزش دانسته و آن‌ها را مورد سلب و طرد قرار داده و از سوی دیگر هدف متعالی زندگی را همان تعهد به خداوند و کوشش در راه قرب او معرفی کرده است. بعد در انتها بعد از بیان معنای زندگی به صورت سلبی و ایجابی به این حقیقت اشاره می‌کند که کسی که معنا و هدف الهی زندگی را پذیرا شده، به آن ایمان آورده و در راه آن عمل صالح به جا آورد او دارای حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی خواهد شد. این رویکرد قرآن نشان‌دهنده‌ی پیوستگی کامل معنای زندگی و سبک زندگی از دیدگاه قرآن و وحی و ابتدای حیات طیبه‌ی قرآنی بر هدف و معنای زندگی قرآنی است (نصری، ۱۳۸۲: ۲۴۲).

۲- صراط: جایگاه دیگری که در قرآن کریم در آن پیوست بین معنا و سبک زندگی آشکار است بحث صراط می‌باشد. تعبیر صراط که در قرآن کریم ۳۲ بار به کار رفته و در اکثر موارد در قالب صراط مستقیم آمده است همزمان مشتمل بر هم سبک زندگی و هم هدف زندگی بوده و پیوند این دو امر را آشکار می‌سازد. صرف نظر از بحث‌های تفسیری و روایی فراوانی که با توجه به محدودیت موجود در مقاله امکان ورود به آن‌ها وجود ندارد و البته بسیاری از آن‌ها حداقل به صورت غیر مستقیم به پیوند بین معنا و سبک زندگی در صراط مستقیم اشاره دارند ملاصدرا فیلسوف بزرگ مسلمان نیز تفسیری از صراط ارائه می‌کند که به روشنی پیوست بین معنا و سبک زندگی را آشکار می‌سازد. نکته جالب اینکه ملاصدرا بحث از صراط را نیز با بحث از



حرکت جیلی و حرکت ارادی نفس شروع می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۴۴-۳۴۵) جایگاهی که همچنان که در بحث رابطه‌ی معنا و سبک زندگی از منظر معرفت عقلی گفته شد یکی از روشن‌ترین مواضع پیوند معنا و سبک زندگی در سنت عقلانی فلسفه‌ی اسلامی است. ملاصدرا با ذکر آیات متعددی که مشتمل بر تعبیر صراط هستند تفسیری از صراط ارائه می‌دهد که آشکارا معنا و سبک زندگی را به هم پیوست می‌دهد. صراط از دیدگاه ملاصدرا حرکت ارادی، مشی بر منهج و طریق توحید و مسلک موحدین، انبیاء و اولیاء الهی و در واقع همان سبک زندگی متعالی اسلامی است و البته این صراط در تمام هستی و تحققش قائم به هدف آن یعنی دستیابی به لقاء خدا و رسیدن به قرب خداوند است تعبیری که به وضوح به رابطه‌ی مستحکم معنا و سبک زندگی اسلامی در قالب بحث از صراط مستقیم اشاره دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق: ج ۹/۲۴۷-۲۴۸).

علاوه بر دو جایگاه گفته شده، پیوند بین معنا و سبک زندگی از دیدگاه معرفت و حیانی در جایگاه‌های دیگری از قرآن از قبیل بیان زندگی الگوهای دینی از جمله انبیاء الهی، بیان اوصاف مومنان، بحث خصوصیات بهشتیان و دوزخیان و... به روشنی هویدا است هر چند که به دلیل محدودیت‌ها موجود در مقاله امکان بحث از آن‌ها فراهم نیست. با این حال همین موارد اصلی بیان شده که روشن‌ترین محتوای مرتبط با رابطه‌ی معنا و سبک زندگی در قرآن هستند خود به روشنی آشکار می‌سازد که از دیدگاه قرآن و معرفت و حیانی پیوند مستحکمی بین معنا و سبک زندگی وجود دارد.

### نتیجه

بررسی رابطه‌ی معنای زندگی و سبک زندگی از دیدگاه عقل و وحی به خوبی نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که رابطه‌ی مستحکمی بین معنا و سبک زندگی وجود

داشته و این رابطه بدین گونه است که سبک زندگی افراد ریشه در معنای زندگی آن‌ها داشته و حاکی از آن است. به عبارت دیگر معنای زندگی جنبه درونی سبک زندگی و سبک زندگی جنبه بیرونی و خارجی معنای زندگی است. هم عقل و معرفت بشری که خود را در مجموعه علوم بحث‌کننده از معنا و سبک زندگی نشان داده و هم معرفت وحیانی و ربوبی که از طریق قرآن و کتاب آسمانی به دست انسان رسیده در بیان این حقیقت هم‌داستان بوده و به ریشه داشتن سبک زندگی در معنای زندگی و حکایتگری سبک زندگی از معنای زندگی اشاره کرده‌اند. فهم این رابطه رساننده‌ی یک نتیجه‌ی مهم در حیطه‌ی سبک زندگی است و آن این که برای ساختن یک سبک زندگی معین و بسط آن در فرد و جامعه باید معنای زندگی متناسب با آن تحقق یابد. نتیجه این که تحقق سبک زندگی اسلامی که از الزامات دستیابی به تمدن نوین اسلامی است تنها هنگامی ممکن است که معنای زندگی اسلامی به عنوان بنیاد و مبنای آن تحقق یابد لذا هر گونه تلاش برای تحقق سبک زندگی اسلامی در افراد و جامعه‌ی اسلامی باید در این قالب فهمیده شده و برنامه‌ریزی گردد.

### پی‌نوشت‌ها:

- (۱) بیان ترداد معنای زندگی با هدف زندگی در آثار اندیشمندانی چون استیس، متر، ویگینز و... آمده است (استیس، ۱۳۸۲: ۱۱۳ و متر، ۱۳۸۲: ۱۵۱ و ویگینز، ۱۳۸۲: ۴۵). لازم به ذکر است که متفکران دینی و به ویژه متفکران مسلمان معمولاً معنای زندگی را به این معنا می‌گیرند. نمونه‌ی بارز این امر را در آثار علامه جعفری می‌توان یافت (جعفری، ۱۳۸۵: ۹).
- (۲) در آثار اندیشمندانی همچون یونگ، لگنهاوسن، اسمیت، کاتینگهام و... به ترداد معنای زندگی و ارزش زندگی اشاره شده است (Young, 2003: 3 و لگنهاوسن، ۱۳۸۲: ۷ و اسمیت، ۱۳۸۲: ۲۲۰ و به نقل از موسوی، ۱۳۸۲: ۲۱۹).
- (۳) بیان ترداد معنای زندگی و فایده‌ی زندگی در آثار برخی روانشناسان از قبیل آدلر آمده است (آدلر، ۱۳۵۳: ۱۶).

(۴) نگارنده در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی معنای زندگی از دیدگاه ملاصدرا و نوصدراثیان» که در سال ۱۳۸۶ به راهنمایی دکتر عبدالله نصری در دانشگاه علامه طباطبایی مورد دفاع قرار گرفت با بهره‌گیری از اندیشه‌ی محققان گوناگونی که پیرامون معنای زندگی سخن گفته‌اند به طور مفصل معنای زندگی را مورد تحلیل قرار داده و نظام و هرم معناداری را مورد بحث قرار داده است. جهت آگاهی تفصیلی از معنای «معنای زندگی» و تحلیل جوانب گوناگون زندگی معنادار می‌توان به این اثر مراجعه کرد.

#### (5) Life style

(۶) نمونه‌ی جالب کاربرد متقابل واژه سبک و سیره در کتاب «سیری در سیره‌ی نبوی» مطهری آمده است. در این کتاب واژه‌ی سبک زندگی تقریباً به همان معنای مشهور آن در دوره‌ی معاصر به کار رفته و کاملاً معادل با سیره‌ی پیامبر معنی شده است (مطهری، ۱۳۷۷: ۴۶-۵۶).

#### (7) Taste

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. ابادری، یوسف و حسین چاوشیان، (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، *نامه‌ی علوم/اجتماعی*، شماره‌ی ۲۰، ص ۳-۲۵.
۳. استیس، والتر ترنس، (۱۳۸۲)، «در بی معنایی معنا هست»، ترجمه‌ی اعظم پویا، *تقد و نظر*، شماره‌ی ۲۹ و ۳۰، ص ۱۰۸-۱۲۳.
- اسمیت، هیوستن، (۱۳۸۲)، «معنای زندگی در ادیان جهان»، ترجمه‌ی مصطفی ملکیان، *تقد و نظر*، شماره‌ی ۳۱ و ۳۲، ص ۲۴۵-۲۶۸.
۴. آدلر، آلفرد، (۱۳۵۳)، *مفهوم زندگی را دریابید*، ترجمه ناهید فخراپی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. بوردیو، پیر، (۱۳۹۰)، *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران، نشر ثالث.
۶. جباری، محمد رضا، (۱۳۹۲)، *سیره اخلاقی و سبک زندگی حضرت زهرا (علیها السلام)*، قم، نشر معارف.
۷. جعفری تبریزی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، *ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل*، تهران، موسسه‌ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، *فلسفه و هدف زندگی*، تهران، موسسه‌ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۱)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، جلد ۸ و ۱۰، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. حسینی همدانی، سید محمد حسین، (۱۴۰۴.ه.ق)، *انوار درخشان*، تحقیق محمد باقر بهبودی، جلد ۹، تهران، کتابفروشی لطفی.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۹۴)، *سبک زندگی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)*، قم، نشر معارف.
۱۲. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰.ه.ق)، *مفاتیح الغیب*، جلد ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. رجب‌نژاد، محمد رضا و یحیی حاجی و امیر مهدی طالب و سعید رجب‌نژاد، (۱۳۹۱)، «بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر «حیات طیبه» در قرآن»، *نشریه‌ی علمی پژوهشی وزارت بهداشت*، شماره اول، ص ۹-۲۶.

۱۴. رضوی زاده، نورالدین، (۱۳۸۶)، بررسی تاثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد ابن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر سوره‌ی جمعه، ترجمه، تصحیح و تعلیق محمد خواجوی، تهران، مولی.
۱۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تصحیح، تحقیق و مقدمه: سید مصطفی محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۸. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۸ ه.ق)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، قم، طلیعه نور.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران، نشر صبح صادق.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ه.ق)، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، جلد ۳، تهران، انتشارات الصدر.
۲۲. گبینز، جان آر و بو ریمر، (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر، ترجمه منصور انصاری، تهران، گام نو.
۲۳. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۲۴. لگنهاوسن، محمد، (۱۳۸۲)، «اقتراح»، نقد و نظر، شماره‌ی ۲۹ و ۳۰، ص ۵-۲۷.
۲۵. متز، تدئوس، (۱۳۸۲)، «آثار جدیدی درباره‌ی معنای زندگی»، ترجمه‌ی محسن جوادی، نقد و نظر، شماره‌ی ۲۹ و ۳۰، ص ۲۶۶-۳۱۳.
۲۶. مظهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، سیری در سیره‌ی نبوی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۷. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ه.ق)، تفسیر الکاشف، جلد ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، جلد ۸، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۰)، «هر کس باید خود معنای زندگی خود را بیابد»، نامه مبیید، سال اول، شماره ۳، ص ۸-۱۶.

۴۰ □ هم‌رأیی معرفت عقلانی و وحیانی در تبیین رابطه معنا و سبک زندگی

۳۰. موسوی، سید محمود، (۱۳۸۲)، «معنای زندگی، گزارشی از یک کتاب»، تقد و نظر، شماره‌ی ۳۰-۲۹، ص ۲۱۷-۲۶۵.
۳۱. مهدوی آزاد بنی، رمضان، (۱۳۸۶)، «معنای زندگی انسان و نقش خلاقیت‌زایی دین»، اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره ۹، ص ۵۳-۷۱.
۳۲. مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۹۰)، دین و سبک زندگی: مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۳۳. نصری، عبدالله، (۱۳۸۲)، فلسفه‌ی آفرینش، قم: نشر معارف.
۳۴. ویلن، تورستاین، (۱۳۸۳)، نظریه‌ی طبقه‌ی تن‌آسا، با مقدمه‌ای از سی رایت میلز، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۳۵. ویگینز، دیوید، (۱۳۸۲)، «حقیقت، جعل و معنای زندگی»، تقد و نظر، شماره‌ی ۳۰ و ۲۹، ص ۳۸-۹۲.

36. Bell, David and Joanne Hollows, (2006), *Historicizing Life Style: Mediating Taste, Consumption and Identity from the 1900s to 1970s*, Burlington, Ashgate publishing.
37. Rule, Warren r and Malachy Bishop, (2006), *Adlerian Life Style Counseling: Practice and Research*, New York, Routledge.
38. Thew, Miranda and Jim Mckenna, (2008), *Life Style Management in Health and Social Care*, United Kingdom, Blackwell publishing.
39. Wolf, Susan, (1998), «Meaning of Life», *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Vol5, (p630-633), London and New York, Routledge publishing.
40. Young, Julian, (2003), *The Death of God and The Meaning of The Life*, London, Routledge publishing.